



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲/ فرودین/ ۱۳۹۵

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

مصادف با: ۲ رجب ۱۴۳۷

موضوع جزئی: اجزاء_ مقام اول: اجزاء نسبت به امر خودش- تبدیل امتثال

جلسه: ۸۵

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در جلسات گذشته دو پاسخ به مواردی که از شرع برای جواز تبدیل امتثال ذکر شد بیان گردید. یک پاسخ، پاسخی کلی بود که ما به محقق خراسانی دادیم و یک پاسخ، پاسخی بود که محقق اصفهانی بیان کرده بودند و از اساس مسئله را حل می کرد. با توجه به پاسخ های داده شده به محقق خراسانی؛ باید قائل به عدم دلالت این روایات بر اثبات جواز تبدیل امتثال شد و ادله دال بر جواز در این امور را حمل بر معنای خلاف ظاهر آنها کرد.

پاسخ سوم: بررسی روایات تبدیل نماز فرادی به جماعت

در مثالی که محقق خراسانی در مورد جواز تبدیل امتثال بیان کردند، یعنی تبدیل نماز فرادی به جماعت، آیا از ادله جواز تبدیل امتثال استفاده می گردد یا خیر؟ آیا این روایات ربطی به تبدیل امتثال دارد یا خیر؟ به طور کلی در کتاب وسائل الشیعه روایاتی که به این موضوع پرداخته اند چهار دسته می باشند:

دسته اول عبارتند از روایاتی که از آنها استحباب اعاده استفاده می شود. از این روایات به دست می آید که اگر کسی نمازش را به صورت فرادی بخواند و بعد مواجه با نماز جماعت شود، مستحب است که نماز خوانده شده را به جماعت اعاده کند. دسته دوم: روایت صحیحی ای است که در این رابطه وارد شده و در ذیل روایت عبارت «یجعلها الفریضه» بیان شده است. دسته سوم: روایتی است که به دنبال عبارت «یجعلها الفریضه» شرط «ان شاء» بیان شده است.

دسته چهارم: روایتی است که به جای «یجعلها الفریضه» عبارت «یختار الله اجمعهما الیه» را آورده است؛ یعنی خداوند آن نمازی که محبوب تر نزد خودش است اختیار می کند

بررسی دسته اول

دسته اول روایات بدون اضافه شدن هیچ عبارتی از آن حکم استحباب استفاده می شود. در مورد این روایات دو نکته قابل توجه است:

نکته اول: مشهور و محقق خراسانی

از این روایت اینچنین استفاده کرده اند که اگر کسی نماز ظهرش را خواند و بعد متوجه شد نماز جماعت بر قرار شده مستحب است نمازش را اعاده کند. همچنین شخصی که در حین خواندن نماز ظهر است متوجه نماز جماعت ظهر می گردد می تواند نمازش را با همان نیت نماز ظهر تمام کند و سپس مستحب است که با جماعت نماز ظهر خود را اعاده کند.

مرحوم شیخ طوسی بر خلاف مشهور می فرمایند: مورد استحباب اعاده، موردی است که شخصی مشغول خواندن نماز است و در هنگام خواندن نماز، متوجه تشکیل نماز جماعتی در نزدیکی خود می شود، در این صورت او می تواند یا نماز ظهر خود را از فریضه تبدیل به نافله کند، و از آنجا که قطع نماز نافله حرام نیست آن نماز را قطع کند و نماز ظهرش را به جماعت بخواند. یا آن که سر دو رکعت سلام دهد و نماز را تمام کند و نماز را به جماعت بخواند.^۱

پس در مورد دسته اول روایات که در آن مسئله استحباب اعاده مطرح است بر خلاف مشهور کسانی مانند شیخ طوسی معتقدند که این نماز را می تواند تبدیل به نافله کند و بعد از آن نماز واجب را به جماعت بخواند در اینصورت دیگر مسئله از تبدیل امتثال خارج است؛ زیرا تبدیل امتثال یعنی امتثال امر به نماز محقق شده و مکلف برای بار دوم می خواهد آن را امتثال کند. اما طبق این احتمال اگر کسی نماز ظهرش را تبدیل به نافله کرد، در حقیقت امتثال امر به نماز ظهر نکرده. بلکه نماز جداگانه ای خوانده و اکنون با ورود به نماز جماعت می خواهد امر به نماز ظهر را امتثال کند. لذا این مورد از موارد تبدیل امتثال نیست.

پس طبق این احتمال اساساً دسته اول روایات به طور کلی از مورد بحث ما خارج است. البته بیان شیخ طوسی در حد یک احتمال است و غرض از بیان آن این بود که گفته شود، برداشت دیگری از این روایت نیز شده است. بنابراین اگر این احتمال را قبول کنیم اساساً روایت هیچ ارتباطی با مسئله تبدیل امتثال ندارد.

نکته دوم: تبدیل امتثال به این معنا است که مولا امری به عملی داشته و عبد آن را انجام داده، سپس عبد در مرحله دوم می خواهد همان امر را امتثال کند و امتثال دوم را جایگزین امتثال اول کند.

حال اگر بگوییم این روایات بر همان معنای مورد نظر مشهور دلالت دارند، آن گاه سوال این است که آیا دال بر تبدیل امتثال می باشند؟ یعنی آیا از روایات یک حکم وجوبی و یک حکم استحبابی استفاده می شود تا تبدیل امتثال محقق شود؟

توضیح ذلک: وقتی امر به اقامه نماز می شود، نماز ظهر واجب می شود. در کنار حکم وجوبی، یک حکم استحبابی نیز استفاده می شود که عبارت است از استحباب اعاده نماز به صورت جماعت. پس اگر دو حکم از روایت استفاده شد می توان گفت در ما نحن فیه دو امر وجود دارد. اگر عبدی طبیعت نماز را بدون اتصاف به جماعت اتیان کرد، می توانیم بگوییم: «امثل هذا الامر» یعنی طبیعت این امر را امتثال کرده است. حال اگر عبد مشاهده کند که خواندن دوباره این نماز به صورت جماعت مستحب است و مولا امر استحبابی نیز نسبت به آن دارد، در صورت امتثال نماز جماعت توسط عبد، او درحقیقت یک امر استحبابی را امتثال کرده، آن هم فقط به دلیل اینکه، این عمل ثواب زیادی داشته. حال امثال دوم، آیا امتثال همان امر اول است یا امتثال امر دوم؟ آیا امتثال امر وجوبی است یا امر استحبابی؟

پس وقتی در روایت دو امر باشد و عبد به هر دو امر عمل کند، دیگر امتثال و تبدیل آن به امتثال آخر مطرح نیست. بلکه اینجا دو امتثال است. به عبارت دیگر: در این صورت عبد امتثال دوم را جایگزین امتثال اول نمی کند زیرا تبدیل امتثال در جایی است که یک امر و یک حکم وجود داشته باشد و شخص می خواهد با امتثال دوم امتثال اول را کنار بگذارد و امتثال دوم را جایگزین آن کند. در حالی که امر یکی است پس امتثال هم یکی است.

^۱ تهذیب ج ۱ ص ۵۰

بنابراین روایاتی که استحباب اعاده در آنها ذکر شده به طور کلی دلالت بر جواز تبدیل امتثال ندارد. از این روایات جواز تبدیل امتثال استفاده نمی شود زیرا محتمل است که معنای روایات غیر از این معنایی باشد که محقق خراسانی گفته و اگر هم اینچنین نباشد و ما همان معنای مورد نظر مشهور را استفاده کنیم، در این صورت موضوعا از مصادیق تبدیل امتثال به امتثال دیگر نیست. لذا دسته اول روایات اساسا ربطی به مسئله مورد بحث ندارند.

«الحمد لله رب العالمین»